۲ انیمیشن ایرانی در کارتون‌کلاب

اولین انیمیشن‌های سینمایی از یک دهه پیش در ایران تولید شدند. در آن زمان کمتر فردی تصور می‌کرد که در مدت کوتاهی، انیمیشن در کشور ما به جایگاهی برسد که حتی در کشورهای منطقه و فستیوال‌های جهانی هم اکران و افتخارآفرینی کند.

از این رو به تازگی انیمیشن کوتاه «بیا آشتی کنیم» به کارگردانی عبدا... علیمراد از تولیدات مرکز انیمیشن سوره و فیلم کوتاه «پیش از بهشت» به کارگردانی احمد حیدریان و تهیه‌کنندگی محدثه پیرهادی از تولیدات باشگاه فیلم سوره به سی و نهمین دوره از جشنواره بین‌المللی «کارتون‌کلاب» ایتالیا راه یافتند.

این رویداد از جشنواره‌های شناخته‌شده سینمای ایتالیاست که به انیمیشن، کمیک و بازی اختصاص دارد.

جشنواره کارتون‌کلاب سال ۱۹۹۵ آغاز به کار کرد و یک سال بعد به‌صورت بین‌المللی برگزار شد. این جشنواره با نمایش سالانه بیش از ۳۰۰ فیلم کوتاه انیمیشن از ۵۰ کشور در سراسر جهان به یک رویداد بزرگ تبدیل شده است که جوایز مختلفی را به بهترین انیمیشن‌های کوتاه تولیدشده در جهان با حضور صدها مهمان ایتالیایی و خارجی اعطا می‌کند.

سی‌ونهمین دوره جشنواره بین‌المللی کارتون‌کلاب از ۱۹ تا ۲۵ تیر در شهر ریمینی ایتالیا برگزار می‌شود. پخش بین‌الملل این فیلم‌ها بر عهده مرکز بین‌الملل سوره است./ ایسنا



نگاهی به فیلم «تصور» به کارگردانی علی بهراد

«تصور» مالیخولیایی

بعضی فیلم‌ها انگار نشانی از هنر و جغرافیای ایرانی ندارد. یعنی اگر بازیگر و زبان فارسی را از آنها حذف کنیم، اتفاق خاصی برای‌شان رخ نمی‌دهد؛ چراکه کارگردانان چنین آثاری که معمولا تجربه اولین اثر سینمایی‌شان را از سر می‌گذارنند، بیشتر از این‌که نگاه فرهنگی به جامعه پیرامون‌شان داشته‌باشند بر تجمل‌گرایی افراطی، همراه با ادا و اطوارهای اجرایی، سعی می‌کنند اثری به‌اصطلاح خاص بسازند. این فیلم‌ها بر مبنای طرحی حاصل از ذوق‌زدگی ساخته می‌شود و تمامی نگاه‌شان بهجایزه‌های رنگارنگ فستیوال‌ها و جشنواره‌های جهانی است. «تصور» که این روزها در اکران قرار دارد، برخلاف تصور عوامل تولیدش در کف جدول فروش قرار گرفته است. این فیلم که به مدد ارتباطات تهیه‌کننده‌اش با جشنواره‌های خارجی در جشنواره کن نمایش داده شد، حتی نظر منتقدان غربی را نیز جلب نکرده است.





ساناز قنبری
گروه فرهنگ و هنر

سرگردان میان ژانرها و سبک‌ها

فیلم «تصور» اولین ساخته کارگردانش (علی بهراد) دقیقا با همین تعریف‌های فوق ساخته شده‌است. تصور، سعی می‌کند اثری خاص باشد اما این خاص بودن به دلیل نوع روایت و ساختاری که دارد به هیچ‌وجه متقاعدکننده نیست. کلیشه‌سازی مرسومی است که در هیچ ژانر یا حتی زیر ژانری قرار نمی‌گیرد. حتی بعد از پایان فیلم، اگر کلیت آن هنوز از ذهن‌مان پاک نشده‌باشد، درمی‌یابیم این اثر صرفا می‌تواند در قالب یک فیلم هنر و تجربه‌ای آن هم با هزار ارفاق پذیرفتنی باشد. چراکه احساس می‌شود علی بهراد در اولین ساخته سینمایی‌اش، سعی داشته فیلمی هنری بسازد و ایضا اثری جشنواره‌ای.

این تعریف کوتاه از این اثر باعث شده با فیلمی مواجه شویم که اساسا سر و شکل آن سعی بر قصه‌گویی مدرنیته داشته اما این نوع قصه‌گویی که ربطی به مدرنیته هم ندارد به هیچ‌وجه نمی‌تواند مخاطب را با خودش همراه کند؛ چراکه تصور، یک فیلم دیالوگ محورِ پرگو است و اگر تصویر را هم از آن بگیریم، دیالوگ‌ها می‌توانند جای تصویر را بگیرند! فیلم در واقع تکرار یک موقعیت است.

یک عشق مجهول

اما شکل عشق هم در فیلم تصور متفاوت از سایر عشق‌های رمانتیک است که در آثار مختلفی از این دست روایت می‌شود. شکل عشق در این فیلم کاملا درونی است؛ آن‌قدر درونی که مرد می‌تواند با خیال‌پردازی تا پایان عمر به آن ادامه دهد. کارگردان اما، به قدری بلاتکلیف و الکن به روایت خود در این فیلم ادامه می‌دهد که حتی این عشق درونی را که کمتر در سینما به تصویر کشیده شده، از جذابیت می‌اندازد. شبی که قصد ندارد روز شود، چرا باید تا به این اندازه طولانی باشد؟ تاریکی شب چه تاثیری می‌تواند در روند دراماتیک بودن این فیلم داشته‌باشد؟ دیالوگ‌ها نمی‌توانند اتصال دراماتیک برقرار کنند و کارگردان سوال‌های بی‌جواب زیادی را در ذهن مخاطب باقی می‌گذارد. انگار آن چیزی را که در ذهنش بوده نتوانسته‌است آن طور که باید، روی پرده به تصویر بکشد. در صورتی‌که فیلم خوب آن است که میان گفتن و نشان دادن تعادل برقرار کند.

یک راننده با خودروی خارجی میلیاردی چرا باید در تاکسی راننده، همه زنان مسافرش را شبیه دختر شرینی‌فروشی می‌بیند که عاشقش شده؟ این فیلم نه می‌تواند یک اثر فانتزی باشد، نه عاشقانه و نه هیچ چیز دیگری. چرا که در هیچ قالب سینمایی نمی‌گنجد، همچنین توان قصه‌گویی و زیرساخت لازم برای چگونه روایت کردن ندارد. گویا کارگردان فقط به مسأله اجرایی فکر می‌کرده و به همین دلیل طرح دو خطی‌اش خالی از مضمون است؛ مضمونی که مخاطب را می‌تواند به طور نسبی با فیلم همراه کند. آن نسبی بودنش هم صرفا به دلیل حضور بازیگر توانمندی چون لیلا حاتمی است که با تمام تجربه‌اش، توانسته به داد فیلمنامه برسد و مخاطب را تا پایان فیلم با خود همراه سازد. لیلا حاتمی اساسا وزن هر فیلمی که در آن بازی می‌کند را بالا می‌برد. گوناگونی و تنوع‌های رنگارنگ در کارنامه بازیگری‌اش جزو شاخصه‌های کارنامه بازیگری او است. عشق‌ورزی، متانت و فروتنی برآمده از شخصیت خود او، در تمام نقش‌هایش به نوعی جاری است. در تصور هم کاریزماتیسم جاری در بازی و کاراکتر شخصی‌اش در تلفیق با گونه‌ای ملاحظات اجتماعی، توانسته انرژی خوبی در فیلم ایجاد کند.



قصه ندارد!

یک راننده تاکسی (با بازی مهرداد صدیقیان) که حتی تا انتهای فیلم نام او را هم نمی‌دانیم، هر شب در زمان‌هایی نامعلوم زنان مختلفی (بابازی مشترک در نقش‌ها، لیلا حاتمی) را سوار می‌کند که انعکاسی از چهره دختر دلخواهش است؛ دختری شیرینی‌پز که در فروشگاهی مشغول به کار است. راننده جوان که عاشق دختر شده، مدام به بهانه خریدن کیک و شکلات به آنجا می‌رود اما حتی زمانی که داخل فروشگاه ایستاده در تصوراتش تصویر دختری جوان را می‌بیند که کیک خامه‌ای در دهانش می‌گذارد و با محبت به او نگاه می‌کند. با وجود این جرات ابراز عشق و علاقه به دختر را ندارد! راننده تاکسی اینترنتی هر بار که زنان مختلف را سوار می‌کند، درباره موضوعات مختلف دیالوگ‌هایی را با هم رد و بدل می‌کنند و به هیچ نتیجه‌ای هم نمی‌رسند!

تصور، موقعیت رویاگونه‌ای دارد که البته این موقعیت آن قدر الکن و بی‌قاعده بیان می‌شود که ژانر مورد نظر فیلمساز پنهان می‌ماند. این‌که فیلمساز از ساختن این فیلم چه قصدی داشته، سؤال مهمی محسوب می‌شود. واقعا کارکرد تکرار یک زن در موقعیت‌های مختلف چه سودی برای فیلم دارد؟ آیا با اثری عاشقانه مواجه هستیم که مرد اینترنتی کار کند؟ چرا باید تکرار یک موقعیت را با یک بازیگر در چند موقعیت دیگر ببینیم؟ آیا کارگردان سعی داشته قدرت بازیگری لیلا حاتمی را به رخ مخاطب بکشد؟ جهان فیلم «تصور» نه می‌تواند ابزورد باشد نه آرتیستیک. نه جغرافیا دارد نه زمان. این فیلم تنها چیزی که دارد دیالوگ‌هایی است که هیچ منطق روایی و دراماتیکی برای اثر ندارند. فقط می‌شود آنها را گوش داد و از کنارشان بی‌تفاوت گذشت. در حالی‌که دیالوگ‌های فوق‌العاده آنهایی هستند که مخاطب برای شنیدن‌شان ولع داشته‌باشد، نه این‌که حوصله مخاطب را سر ببرد.

نقدهای دم‌دستی برای جلب مخاطب غربی

این‌که در سینما فیلمی با رویکرد شیدایی ساخته شود، بی‌ایراد به نظر می‌رسد اما این شیدایی باید دلیل و منطق روایی داشته باشد. در حالی که در فیلم تصور، شاهد سیاه‌نمایی زندگی شهری در ایران هستیم. زنانی که هرکدام سوار تاکسی اینترنتی می‌شوند، درگیر ماجراهایی همچون؛ همسر دوم شدن، باردار نشدن، مهاجرت و... هستند که نمی‌توانند نماینده جامعه زنان ایرانی باشند. استفاده ابزاری از خرده‌روایت‌هایی که ارتباطی با فرهنگ ایرانی دارد، خود نشانگر آن است که کارگردان چشم به دست جشنواره‌های جهانی دوخته که حتی در این زمینه هم موفق نبوده است.

هدف از ساخت «تصور» چیست؟

کارگردان بیشتر از این‌که قصه‌پردازی کند با نام فیلمش جلو رفته و تصورپردازی کرده‌است. این تصورپردازی هم به دلیل عدم روایت منطقی نه تنها کسالت‌آور است بلکه اساسا با سینما تفاوت بسیاری دارد. حتی جوان راننده که نام هم ندارد، آن‌قدر الکن و عقب افتاده‌است که توانایی پیشنهاد دادن به دختری که عاشقش هست را هم ندارد! حالا تصورات این جوان حاصل کشیدن مواد مخدر است یا چیزی دیگر، نشان داده نمی‌شود. سینما به عنوان رسانه بصری باید مخاطب را درگیر تصویر روی پرده کند، اما در این فیلم تنها نکته‌ای که برای فیلمساز مهم نیست تصویر و خلق میزانسن است. در تصور، حتی در کارگردانی هم ویژگی خاصی نمی‌بینیم. چون معمولا وقتی در قصه‌گویی نکته وجود ندارد، روی اجرا متمرکز می‌شویم اما تصور در اجرا هم تصاویری به هم پیوسته دارد که فقط تدوین شده‌است. در این فیلم به نظر می‌رسد کارگردان از شیفت کردن‌های پیاپی میان واقعیت و خیال لذت می‌برد و می‌کوشد این تجربه را با مخاطبان به اشتراک بگذارد. ۹۵ درصد فیلم در خودرو می‌گذرد پس نمی‌توانیم در اجرا هم چیزی از هنر کارگردان ببینیم. آیا کارگردان می‌خواسته به زعم خودش از کیارستمی تقلید کند؟ به هر حال آنچه احساس می‌شود این است که تمام خاطرات یا دیالوگ‌گویی‌هایی که در فیلم وجود دارد، حاصل بداهه‌گویی است. چراکه هیچ علت و معلولی در روند این دیالوگ‌ها مشخص نیست! واقعا هدف از ساخت تصور چه بوده‌است؟ فیلمساز در فیلم اولش در چه شرایطی احساس کرده تصور می‌تواند یک اثر بلند سینمایی باشد؟ «تصور» در اندازه یک فیلم کوتاه هم عناصر متعدد سینمایی را کم دارد. نه فیلم جاده‌ای است، نه ساختاری مدرن دارد و از همه مهم‌تر با هنر هم فاصله زیادی دارد. این اثر تحت تاثیر آثار جشنواره‌ای است و در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن می‌تواند برای کارگردانش یک تجربه دلی باشد که در خانه‌اش تماشا کند؛ چرا که اکران عمومی این فیلم در گروه‌های آزاد، توقع مخاطب را برآورده نمی‌کند و آزاردهنده است.



برش

واکنش منتقدان بین‌المللی به «تصور»

فیلم سینمایی «تصور» به نویسندگی و کارگردانی علی بهراد و تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی در بخش هفته منتقدان جشنواره کن به نمایش درآمد و با واکنش‌های مختلفی از سمت رسانه‌های بین‌المللی مواجه شد. به عنوان مثال تیم گریرسون منتقد شناخته‌شده مجله اسکرین دیلی این فیلم را «یک درام نرم با یک اتمسفر رویایی» توصیف کرده که در ادامه نیز نوشته «کارگردان این فیلم، علی بهراد به سوال‌های زیادی در این فیلم پاسخ نداده و به تماشاگر اجازه می‌دهد پس از پایان فیلم درباره آنها فکر کند. فیلم یک تم رویاگونه دارد که انگار برخی چیزهایی که تماشا می‌کنیم در حقیقت اتفاق نمی‌افتد.» به باور تونی گریرسون؛ « در این فیلم فرصت آن را دارید که جاهای خالی‌اش را خودتان پر کنید.» یا رافائلا سیلز راس (منتقد) در پلی‌لیست به این فیلم نمره B- داده‌است. از نظر این نویسنده رابطه پویا و ظریف بین راننده (مهرداد صدیقیان) و مسافر(لیلا حاتمی) بزرگ‌ترین دستاورد علی بهراد در این فیلم است. جالب است بدانید که نام اولیه فیلم «تصور»، «هرمان» بوده و فیلمبرداری آن از اسفند ۹۹ تا فروردین ۱۴۰۰ انجام شده‌است.

کیکاوس زیاری | گروه فرهنگ و هنر

چینی‌ها رقیب چینی‌ها!

فاجعه برای هالیوود نشینان

تحلیلگران اقتصادی سینما در چین می‌گویند دامنه رقابت تولیدات داخلی با یکدیگر به‌قدری بالا و نفسگیر است که جایی برای بلاک باسترهای پرهزینه و پرسروصدای هالیوودی در جدول گیشه نمایش سینماهای این کشور باقی نمانده است! اشاره آنها به قرارگرفتن محصولات بومی در فهرست جدول گیشه این هفته سینماهای این کشور دور آسیاست که با استقبال خیره‌کننده تماشاگران داخلی و به‌خصوص جوانان روبه‌رو شده‌اند. درام جدید ورزشی و رزمی «هرگز نگو هرگز» با افتتاحیه بسیار خوب ۱۲۱ میلیون دلاری خود، توانست صدرنشین جدول هفتگی گیشه نمایش چین شود. البته برخلاف عرف معمول که سه روز آخر هفته زمان اکران عمومی محصولات جدید است، این درام ورزشی یک روز زودتر روی پرده سینماهای کشور رفت. به این ترتیب، هرگز نگو هرگز توانست به چند هفته صدرنشینی درام تعلیقی و پررمزوراز «گمشده در ستاره‌ها» خاتمه دهد. وونگ بائوکوانگ، بازیگر سرشناس چینی که تماشاگران جوان به‌خصوص طرفدارانش هستند، کارگردانی هرگز نگو هرگز را نیز به‌عهده دارد و یکی از دو نویسنده فیلمنامه‌اش نیز هست. او در این فیلم در نقش اصلی هم ظاهر شده و این بار، یک استاد هنرهای رزمی است که قصد دارد گروهی از بچه‌های یتیم را زیر بال و پر خود گرفته و به آنان فنون رزمی‌کاری را بیاموزد. با بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های این استاد، مردم و رسانه‌ها او را تحقیر می‌کنند و با این حال، این مرد سمج دست از فعالیت نمی‌کشد و تلاش می‌کند حقانیت کار خود را ثابت کند. اهل فن پیش‌بینی فروش کلی بالای ۵۰۰ میلیون دلار را برای این درام ورزشی می‌کنند.



گمشده در ستاره‌ها با وجود رقبای جدید خود توانست طی تعطیلات آخر هفته به فروش بسیار خوب ۴۴ میلیون دلاری دست پیدا کند و نشان دهد که هنوز محبوب تماشاگران بومی است. این درام خانوادگی که با نگاهی به یک فیلم پرفروش روسی ساخته شده، توانسته به فروش کلی ۴۲۸ میلیون دلاری در ۱۸ روز اکران عمومی‌اش دست پیدا کند. سومین فیلم جدول گیشه چین یک انیمیشن به نام «چانگ آن» است که با فروشی ۲۵ میلیون دلاری این کرسی را از آن خود کرد. قسمت جدید مجموعه اکشن «طوفان سفید» هم ۱۸ میلیون دلار فروش کرد تا ردیف چهارم جدول را از آن خود کند. نکته جالب جدول این هفته سینماهای چین، اکران عمومی «بال‌های سوپر» بود که با فروشی پنج میلیون دلاری، ردیف پنجم جدول را گرفت. این فیلم نسخه دوباره‌سازی شده چینی فیلمی کره‌ای به همین نام است که نمایش عمومی آن در سال ۲۰۲۱ ممنوع اعلام شد. نسخه کره‌ای یک مجموعه فیلم سینمایی و تلویزیونی محبوب در کره‌جنوبی است که در یکی از قسمت‌های آن ادعاهایی درباره تبت مطرح کرد که به مذاق مسئولان چینی خوش نیامد. در این محصول کره‌ای همچنین تایوان به‌عنوان کشوری مجزا و مستقل از چین معرفی شد و این در حالی است که چین می‌گوید تایوان بخشی از خاک آن است. به‌هر حال، دوباره‌سازی چینی این اثر پرسروصدا و جنجالی کره‌ای، واکنش‌های زیادی در داخل چین و شبکه‌های اجتماعی داشته است. اهل فن عقیده دارند استقبال کم تماشاگران چینی از نسخه چینی زبان بال‌های سوپر، حکایت از نارضایتی عمومی اهالی کشور از تولید این نسخه می‌کند.

به نوشته رسانه‌های چینی، حاکمیت مطلق محصولات چینی بر جدول گیشه از یک سو خشم کمپانی‌های بزرگ هالیوودی را برانگیخته و از سوی دیگر نشان می‌دهد مخاطبان داخلی بیشتر طرفدار اکران عمومی فیلم‌های بومی هستند. طی یک ماه اخیر هیچ فیلم هالیوودی نتوانسته در فهرست پنج فیلم اول جدول گیشه سینماهای چین قرار گیرد.

«آقا مصطفی» در اکران مردمی

اکران مردمی عمار همچنان در راستای هدف خود که برقراری عدالت رسانه‌ای است این امکان را فراهم کرده تا فعالان و دغدغه‌مندان تمام مناطق بتوانند از زبان هنر و آثار تصویری به خصوص مستند «آقا مصطفی» بهره ببرند. از این رو این مستند در چرخه اکران‌های مردمی عمار عرضه خواهد شد. مستند «آقا مصطفی» روایتی از زندگی و فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی شهید پر افتخار صدرزاده از شهدای مدافع حرم است که در روز تاسوعا به شهادت رسید. در این مستند بستگان و آشنایان شهید به بیان خاطراتی از دوران کودکی، نوجوانی و جوانی شهید پرداخته و در خلال آن به مجاهدت‌ها و روش ایشان در فعالیت‌های فرهنگی اشاره می‌کنند. (کیو آرکد)

برای دیدن تیزر مستند «آقا مصطفی» کیوآرکد را اسکن کنید



سیزده سالگی نوید محمدزاده

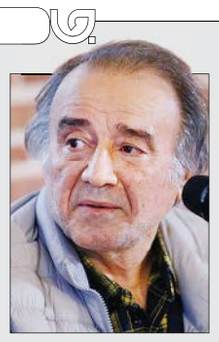


فیلم کوتاه «سیزده سالگی» به کارگردانی صمد علیزاده و تهیه‌کنندگی نوید محمدزاده که به تازگی پخش جهانی آن شروع شده است، در اولین حضور جهانی خود به جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان ایتالیا راه پیدا کرد و در بخش فیلم‌های ۱۰+ سال به رقابت خواهد پرداخت. جشنواره فیلم جیفونی هر سال در دهکده کوچکی به نام جیفونی واله‌پیانا نزدیک سالرنو در جنوب ایتالیا برگزار می‌شود. جشنواره جیفونی که از سال ۱۹۷۱ آغاز به‌کار کرده، برندگان خود را با نظر داورانی از کودکان و نوجوانان در پنج گروه سنی انتخاب می‌کند و هر سال بیش از ۲۰۰۰ کودک و نوجوان در گروه‌های سنی بین ۳ تا ۲۱ سال به داوری آثار بخش‌های گوناگون این جشنواره می‌پردازند.

«سیزده‌سالگی» به نویسندگی مشترک صمد علیزاده، بهمن و بهرام ارک در ژانر اجتماعی به زبان ترکی تولید شده است.

در خلاصه داستان «سیزده‌سالگی» آمده است: «هلیا دختر سیزده ساله‌ای است که یکباره با ممانعت دوچرخه‌سواری از سوی خانواده مواجه می‌شود و او را دچار چالش‌هایی می‌کند»./ مهر

«زود باش دیر میشه» کلید می‌خورد



فیلم سینمایی «زود باش دیر میشه» به‌کارگردانی محمد حجت ذیجودی و تهیه‌کنندگی حبیب اسماعیلی، در زمره آثاری است که سال ۱۴۰۱ پروانه ساخت خود را از سازمان سینمایی دریافت کرد.

بر این اساس، حبیب اسماعیلی از آغاز پیش‌تولید این فیلم سینمایی خبر داد و گفت: با توجه به شرایط و التهاباتی که در سال گذشته با آن مواجه شدیم، نتوانستیم فیلم را کلید بزنیم، اما به امید خدا از ماه آینده وارد مرحله پیش‌تولید خواهیم شد. «زود باش دیر میشه» در ژانر کمدی طبقه‌بندی می‌شود و یک طنز اجتماعی است.

اسماعیلی درباره این که آیا فیلم برای حضور در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر مهیا خواهد شد یا خیر، می‌گوید: باید منتظر باشیم و ببینیم مراحل ساخت فیلم چه‌زمانی به پایان می‌رسد، هنوز تا برگزاری جشنواره فیلم فجر زمان زیادی باقی است. ابتدا باید منتظر باشیم و ببینیم که فیلم چه‌زمانی آماده می‌شود. پس از آماده‌سازی فیلم در این زمینه تصمیم‌گیری خواهیم کرد./ تسنیم